بررسی حصر در آیه «ال یعلم...الغیب الا الله»

خب این را عرض کردم تا ببینید که فضای بحث، فضای قصر است. آیه شریفه فرمود «**قُلْ ال يَعْلَمُ مَنْ في السَّمواتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلاَّ اللَّهُ وَ ما يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ**[1]»، حصر در آیه شریفه، نص است. نفی و الاّ، نص در حصر است. «انّما» ظهور در حصر دارد اما نفی و الاّ تنصیص است. نفی و الاّ به این صورت نیست که بگوییم ظهور در حصر دارد. خب در این آیه شریفه تنصیص بر حصر است، اما حصر اقساماً دارد. بزرگان این فنّ معانی و بیان گفته‌اند «و الفرق بینهما دقیق».

حصر آیه: حصر حقیقی ادعایی

حصر حقیقی ادعائی که استثنا دارد، اما متکلم در مقامی است که می‌خواهد بگوید اینجا فقط، برای این مقصود من است. وصف، اگر برای دیگری هم هست مورد اعتداد و اعتناء نیست. مقام چنین چیزی را اقتضاء کرده است.

عدم منافات آیه با علم غیب معصومین

خب در چنین مقامی شما بگویید «ال يَعْلَمُ مَنْ في السَّمواتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلاَّ اللَّهُ»، بگوییم خب ملک وحی که آن غیب را از خدای متعال گرفته و سراغ پیامبر می‌آورد، عالم به غیب نیست؟! می‌خواهد این را به ایشان بگوید. می‌گوییم عالم هست اما آیه هم درست است. یعنی الآن در مقامی است که این غیب او غیبی نیست که بگویند او هم می‌داند، کنار مبدأ مطلق، کنار خدای متعال که اصل همه علوم برای او است، بگوییم خدا که عالم به غیب است این ملک هم می‌داند، اینجا خلاف مقتضای فصاحت و بلاغت است. اما یک جای دیگر نه، آن مقصود نیست، می‌فرماید: «**فَلا يُظْهِرُ عَلى غَيْبِهِ أَحَدا إِلاَّ مَنِ ارْتَضى مِنْ رَسُولٍ**[2]»، «**ذلِكَ مِنْ أَنْباءِ الْغَيْبِ نُوحيهِ إِلَيْكَ**[3]»؛ اصل غیب محفوظ است بنابراین یکی از آن هفت احتمالی که دیشب عرض کردم، معنایش این می‌شود که آیه شریفه می‌فرمایند غیب تنها برای خدای متعال است به حصر حقیقی مبالغی است که به تعبیری او بود: «دقیقٌ». حصر اضافی هم می‌تواند باشد. چون خیلی طول می‌کشد عرض نمی‌کنم. الحمدلله خود شما هم که بهتر از من می‌دانید. شما باید عفو بکنید اگر من زیاده خدمت شما حرف می‌زنم.

نقد کلام بن باز

مقصود من این بود که در مورد آیه‌ای که این همه وجوه دارد، این همه لطافت در فهمش هست، بگوییم کسانی که می‌گویند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علم غیب دارد کافر هستند، مرتد از اسلام

هستند. چرا؟ لقوله تعالى: «قُلْ لا يَعْلَمُ مَنْ في السَّماواتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ». این خیلی عجیب است! به یک «**لقوله**» بگویید:

> كاعتقاد بعض الشيعة في علي والحسن والحسين أنهم يعلمون الغيب، كل هذا شرك وردة عن الدين، سواء كان في المولد أو في غير المولد. ومثل هذا قول بعض الرافضة: إن أئمتهم الاثني عشر يعلمون الغيب، وهذا كفر وضلال وردة عن الإسلام؛ لقوله تعالى: {قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ}
>
> **[4]**

این استدلال با این توضیحی که عرض کردم، تام نبود.

---

[1] النمل ۶۵

[2] الجن۲۶ و ۲۷

[3] آل عمران ۴۴

[4] مجموع فتاوى ابن باز، ج ۸ ص ۲۳

بازبینی #2
ایجاد شده 17 ژوئیه 2024 12:53:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 17 ژوئیه 2024 14:13:42 توسط ... .